

امریالیسم نهایت سلطه طلب و توسع گرید هوستواند زندگی انگل و ارجو حفظ کند مگر آنکند اکثر اعتراضی را بنماید . امریالیسم چنین خصوصیتی برای حفظ تالا نگرسیهای خود در کشورهای تحت ستم مثل خابعه ما با حکم اجباریاد بریک دیکتاتوری فاشیستی و سرکوبگر تکیه کند ، زیرا اکثر ایش عموماً امریالیسم سوی زور و فاشیسم بود هودر زمانهای بحران این گرایش تشدید شد هودتا مهرد نههای استتار و حجاب را بد و رواند اخته و ضریان میگردد . بورژوازی لیبرال که از ر سازش و تسلیم با قدرت شیطنی امریالیسم عمال مستقیمش در آمد ، لا حرم باید بصحری و حاد صاف کن یک چنین سیاستهایی که آماج آن سرکوب بیرحمانه خلق میباشد ، تندیل گردد . وقایع در و ماه اخیر مین ماگوی این روند است .

اوضاع کنونی و وظائف ما

یکماه نیم اخیر و رانی بود که انحصار طلبان در قدرت خرید صاد ستاری امریالیسم عمال مستقیمش علیه تمامی دستاوردهای قیام مردم ، علیه حقوق د مکرانیک و آزاد بهیای نیمبند به ست آمد و علیه منبروهای انقلابی بویژه کمونیستها دست بیک شیه کورد تازند . این شیه کورد تا از حمله آزادی مطبوعات شروع و با حمله بمظاهراتها و دفاتر و مراکز تیروهای انقلابی ، بگیر و بندها ، بازجوییها ، شیکردنها ، خانهدگرد بها و ضرب و شتم هر کس که جرأت کند صدای اعتراض خود را بلند نماید ، دستگیری بخاطر حتی پیش یک اعلامیه توضیحی و . . . بصورت یک حمله و یورتر حساب شد ه از طرف ارتجاع در آمد . لشکر کشی بکردستان و قتل عام مردم م جهاز طریق تاند سیاه جمران - اوشرف - ارتش و جهاز طریق دادگاههای ضد انقلابی شروع ، همه و همه این یورتر و شیه کورد نای محافل ارتجاعی حاکمانه امیر زمانی بود ه است که مسلمانان ب بیشتری خواهد گرفت .

این یورتر ارتجاع سیاسی از چه عواملی است ؟ چگونه باید آنرا تحلیل کرد ؟ و چگونه باید علیه آن به مقابله پرداخت ؟

- ۱ - قدرت حاکمه کنونی نتیجه سازش رهبران لیبرال و مدعی جنبش با امریالیسم و ایادی مستقیم وی بود و این سازش نامقدس در روند تکاملی خود مبیاست در مبارزات امریالیسم بیانجامد . یعنی سرکوب تمام نهاد های د مکرانیک و ضد امیریا - لیستی ، تشدید فشار و ستم اقتصاد - سیاسی بر

فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد

نزویره ربا و دروغویی ، سفسطگری روشهایی است که سرمایه داران برای رسیدن یا هدف جیا و لکرانه و استعمارگرانه خود بیکار میزند . این وسیله ها زمانیکه هدف را بر آورده سازد از نظر آنها مقدس است . این مطلب هم در مورد بقدرت رسیدگان انحصار طلب فعلی ما هم صدق میکند . انحصار طلبان پیش از آنکه بر اریکه قدرت سوار شوند م از اعطای آزاد بهیای بهره گروه و هر نوع تفکر صلی و ضد امیریا لیستی ، بر فراری مساوات و عدالت ، گذرانیدن قوانینی در همین بقیدد رصفحه ۲

- در صفحات دیگر:
- مقاله ای از لنین
- گزارش از کارخانه سیمان
- نامه یک سرباز

واقعیست تلخ زندگی کارگران مینمان نمایانگر ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه و تبلیغات فریبکارانه آنانست .

استثمار شدید کارگران پارس الکتریک در جمهوری اسلامی

"تأمین رهای این انقلاب برای ما کارگران بود ولی سودش را سرمایه داران و بازاریان بردند" این حرف کارگریست که در عمل بد روئین بودن تمام تبلیغات دست اندرکاران کونی بی برد ه است . گزارش مختصر زیر افشاگر ماهیت قدرتمند ان کونی و تبلیغات در روئین جناح و است مدعی مینی بر رفا کارگران است .

"کارخانجات پارس الکتریک واقع در خجیابان آزادی و عبارت است از یک مجموعه صنعتی که تولید عمده آن تلویزیون و راد بیومییاند . ۱۶ سال است که این کارخانند از مزاج با سرمایه مالی امیریا لیستی بشند بدترین وجه کارگران مینمان را استثمار میکند . این کارخانده تلویزیون و راد بیوهای ساخت کارخانجات گروندیک ، شاپ لورنس ، بلا یونکت آلمان و توشیبا ی ژاپن را هوتا زمینماید . یعنی یکی از وابستهمترین مراکز تولیدی کشور ما میباشد زیرا که فقط "کابینت" تلویزیون رنگی پارس که همان گروندیک است ، در ایبران ساختنمینود و تازه این خود توسط ماشینهای مدرن آلمانی صورت میگردد و بقیه اجزا و قطعات بصورت نیمه مستاز آلمان وارد میشود .

گذشته از سرمایه مالی امیریا لیستی حاکم این کارخانجات ، برادران "بخوردار" بنامهای محمد تقی ، محمد هاشم محمد علی و علی اکبر بخوردار بعنوان سرمایه داران وابسته و صاحبان این شرکتها متحداً کارگران این کارخانجات را استثمار میکنند . در وابسته و مترشح بودن برادران بخوردار همین بس که آنها هیأت مدیره و سرمایه دار اصلی بانکهای زیر هستند *

بانک ایران و خاورمیانه	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	ریال سرمایه
بانک توسعه صنعتی و معدنی	۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	"
بانک شهریار	۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	"

که از طریق این بانکها در ۱۴ شرکت تولیدی و تجارتی سرمایه گذاری کرد هوسامند اراضی کارخانههای بزرگ زیر مینمان : صنایع پوشش ایران (۴ کارخانه) ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بقیدد رصفحه ۲

کتاب سوزان

"توسعه جهل است" ارتجاع همینه گنیش بر این دارد تا با حمله سماعانه افکار عمومی را از مبارزه و مسائل مبارزاتی منحرف سازد . گزارش زیر نمونه ای از آن است . بد نیال یورتر بنگا بفر و نسها و نابود کردن کتابها و جزواتی که مینواند در بالگرد سطح آگاهی توده زحمتکنان ایران نقش بسزائی را ایفا نماید در تاریخ چهارشنبه ۲۸ / ۵ / ۵۸ در ساعت ۷ بعد از ظهر عد های بسرگردگی "مجید کاوی" یا حمایت کمیته امام در آبادان به اعمال خرابکارانه دست میزند (وی شخصی است که در زمان رژیم ارتجاعی پهلوی بچرم جاقوکنی و دزدی مدتها در زندان بسر برده است) او که مستقیماً از طرف یکی از افراد کمیته امام بنام "نسیان" تعویب و حمایت میشود یا حمل جاقو و جماع یعلی بقیدد رصفحه ۳

به پیش در جهت ایجاد حزب کمونیست

چهار چوب در مجلس مؤسسان و ... را دادند . ولی همینکه بر خسر مراد سوار شدند بر تمامی قولهای داده شده خط بطلان کشیدند و حتی مجلس مؤسسان را هم به مجلس منحصر خود و برای خود تبدیل نمودند ولی آنها چرا این چنین کردند ؟ آیا همه این منتصبین در مجلس خبرمندان ؟ آیا آنان در قوانین مربوط به زحمتکشان خیره اند ؟ آیا آنان در مسائل مربوط خلیفای مستعبدیه ما کرد ترک ترکمن و غیره خبرمندان ؟ انصافاً یا عطرکردی که آنها را خود تا بحال نشان داده اند در هیچکدام از مسائل فوق خیره نیستند . ولی انصاف را نباید کنار گذاشت آنها در هوجبگری و تحمق توده ها ، افشاندن بذر نفاق بین آنها و در تحکیم پایه های امپریالیسم و ارتجاع داخلی حقیقتاً خبرمندان . آنان در روز و کلک از ورود نمایندگان واقعاً انقلابی امپریالیست بمجلس جلوگیری کردند تا بتوانند قوانین را آنطوریکه بنگ سرمایه داری وابسته است تصویب کنند و باصطلاح خود بیرون بدهند و در آخر این چگونه مجلس انتخابی است که قلب های بکاربرده در آن انسان را بیاد مجلس نه ساخته میاندازد ؟ آخر این چگونه مجلسی است که بطور مثال مردم کردستان نمایندگان خویش را اصلاً ندیده اند و نمی شناسند ؛ آخر این چگونه مجلسی است که آیت الله منتظری از طرف کمیسیون هفتم تلگرافی به احمد مفتحی زاده که از طرف خلق کرد طرف شده است بعنوان نماینده بمجلس دعوت میشود تا در مورد قانون اساسی نظر بدهد ؟ بیخود نیست که بگوئیم این مجلس خبرگان آنها نه انتخابی بلکه انتصابی بود . است . انحصار طلبان بقدرت رسیده که از جنبش خلقهای زحمتکش و احمه دارند درست در زمان برگزیده مجلس خبرگان روزنامه ها آزاد بخواه و مفرقی را ممنوع اعلام میکنند و ارتش با مداران - باند سیاه حامکان را برای سرکوبی کرد به کردستان روانه میبارند تا مبارزین با افتخار گریهای محفانه هسته پایش این قدرتمندان و مطامات آنان با امپریالیستها و سرمایه داران وابسته تکافتند و مبرهن گردند . همانطوریکه معلم زحمتکشان تقی اراکی گفت " فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع نموده باشد " در قیام خونین ایران توده های زحمتکش بودند که سینه ها را سپر گلوله های درخیمان ارتش شاه کردند . برای قطع نفوذ امپریالیسم ، نابودی استعمار و استعمار و برقراری عدالت اجتماعی بود که آنها شهید شدند . آیا قوانینی که در همین مجلس در بسته آنها در دست تصویب است بیجان کند ؟ آن خواستهاست ؟ بنظر ما خیر . بد نیست که گوشه هایی از قوانین تصویب شده را

مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم که این قوانین حافظ منافع چه کسانی است . اصل سوم پیشنهادی است که تصویب هم رسیده است در مورد وظائف جمهوری اسلامی ایران است ؛ بند ۱ - " ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی " . در وهله اول شاید این بند بنظر پسندیده و مقبول بنظر آید . اما زمانیکه آنرا با واقعیت های اجتماعی بسنجیم در خواهیم یافت تعارضی بین نیست . اگر مقصود " ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی " است این جز از طریق بستن آوردن و فراهم نمودن آگاهیها و شناخت در ارتباط با طموستین واقعیت های اجتماعی بدیدار نمیگردد . اصولاً فضائل اخلاقی یک مفهوم گسداست . کمونیستها معتقد بفضائل اخلاقی بطور عام نبوده بلکه آنرا در ارتباط با منافع یک طبقه بر طبقه دیگر میبینند . از سوی یک سرمایه دار فضیلت اخلاقی سود پرستی و انباشت سرمایه است . استعمار زحمتکشان است در صورتیکه همان از دید طبقه کارگری استعمار ارجحیت منافع جمع بر فرد میباید . لهذا تمام تضادهای آنتیسی نباید بر طبقاتی را هم در خود مجتمع ساختند کمونیستها شناخت و آگاهی را در ارتباط با زندگی اجتماعی میدهند . آنها تمامی حریانات را در برخورد به واقعیات اجتماعی مورد آزمایش قرار میدهند و تجربه میکنند و سپس تحریکات بدست آمده را در فعل و انفعالات زندگی روزمره بکار میبرند . آنرا با تحریکات دائمی تکامل میدهند و بنا بر این بسیر دائمی پیشرفتهای فکری و شناخت بشری معتقدند . چگونه میتوان باور داشت که سرچشمه های آگاهی دهنده به انسانها را قطع نمود و سپهر ادعای آگاه نمودن ، بوجود آورد فضائل اخلاقی را نمود ؟ یکی از راههای پیشرفت و کسب شناختها رسانه های گروهی و مطبوعات و فعالیتها اجتماعی روزمره سازمانهای سیاسی - انقلابی است . بهرچرا تمامی این ارتباطات قطع نشده است ؟ چرا را بدیولیزون با زبان واقعیات اجتماعی ما نیست ؟ در اصل ذکر نشده " مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی " باز هم بطور عام طرح شده است . این هم از دید کمونیستها طبقاتی است . چرا که سرمایه داران چپاول و خود فروشی و بنای کاجها ظلم و ستم را از افتخارات و از مظاهر تمدن خود بحساب میآورند ، در صورتیکه طبقه کارگر همه آنها را مظهر فساد و تباهی میداند . هیئت حاکمه جدید اما تا تدوین آن فرمولبندی کرد دار اولین شق را در مد نظر دارند . آفتابان چگونه میخواهند با کلیه مظاهر فساد و تباهی " مبارزه کنند زمانیکه همان در دهادر مرکز قدرت شما جمع شده-

۲
اند ؟ آخر شما چگونه میخواهید باتمام " مظاهر فساد " مبارزه کنید و وقتی که اساس سرمایه داری که عامل اصلی هرگونه فساد و تباهی است هیچ کاری ندارید . در بند ۲ از همان اصل گفته میشود " آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تصحیح و ترمیم آموزش عالی " واقعیات عینی اجتماعی ما در این مورد نشان میدهد که حتی مدارس که در زمان شاه مرتجع ظاهراً ملی و رایگان اعلام شده بودند اکنون هر کدام از آنها از مراجعین پولهای کلانی را دریافت میدادند و در صورت عدم پرداخت از اسم نویسی خود داری میوزند . آن چگونه آموزش رایگان خواهد بود که اصلیتترین نیروهای اجتماعی ما یعنی کارگران و دهقانان قادر بتحصیل علم و آگاهی نباشند ؟ آیا فکر کرده اید که زحمتکشان وطن ما قادر بدردک این تضاد حرف و عمل شما نیستند ؟ اصلی که در اینجا بصورت آموزش و پرورش رایگان تصویب شده است بخودی خود گویای هیچ چیز نیست . بنظر ما تمام جوانب لازم برای آموزش رایگان باید صریحاً ذکر شود . یعنی اولاً این میزان آموزش باید روشن گردد که حد اقل آن را چنین میتوان ذکر نمود ، آموزش رایگان و اجباری برای دوره ابتدائی و یک دوره آموزش فنی در پیوند فنرده با تولید اجتماعی . لازمه تحقق بخشیدن باین آموزش اجباری آنست که بکارگزاران دائم بسازی نوجوانان تا ۱۶ سالگی ممنوع گردد . ما معتقدیم که آموزش و پرورش را بطور عمده باید برای فرزندان زحمتکشان در نظر گرفت زیرا اولاً آنها اکثریت قاطع جامعه را تشکیل میدهند . ثانیاً فرزندان زحمتکشان بعزت فقر و تنگدستی همواره از دست یافتن علم و تکنیک محروم بوده اند . بنظر ما مبدل بست امکاناتی فراهم آورد که فرزندان زحمتکشان بتوانند وارد دانشگاهها و مؤسسات عالی شوند و حد اقل نیمی از دانشجویان را تشکیل دهند . اما میبینیم که این اصل بر روی تمام این مسائل سکوت میکند . در زمان رژیم فاشیستی شاه هم بسیار در مورد اصل آموزش " رایگان " تبلیغات می کردند اما آیا واقعاً فکر آن بودند ؟ اصلی هم که امروز تصویب کرده اید چیزی نیست جز تکرار همان اصول ضد دیکتاتیک سابق . برای " ترمیم آموزش عالی " فقط کافی است نگاهی به صحنای طولانی در مقابل سفارت خانه های خارجی ببندارید و ببینید که چه کمیت عظیمی از نیروی جوان طالب علم بخارج از ایران میروند با مفهوم " ترمیم آموزش عالی " بی ببرید . نگاهی به شرکت کنندگان نیم میلیونی کنکور امسال و سطح قلیل خدب آنها بمرکز آموزش عالی ببندارید تا ماهیت این ادعاها

بینه در صفحه ۳

بهر کس کار - بد هقانان زمین - بخلقها آزادی

فقطان ..

برایان روشن شود .
 ماه چهار همان اصل "تقویت روح بررسی و تنبّع و ابتکار در تمام زمینه های علمی فنی فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و ترویج محققان" این اصل عکس واقفیت عینی اجتماع پذیری ماست . قطعاً مراکز تحقیقی مد نظر است که با سنخ فکری انحصار طلبان جدید در تطابق باشد . مگر روزنامه ها - کتب از دیدگاههای مختلف باعث تقویت روح بررسی نمیکردند پس چرا آنها را توقیف میکنند ؟ مگر جلسات فرهنگی و سیاسی باعث تکامل سطح علم و فرهنگ و نتیجتاً ابتکار بشری نمیشوند ؟ پس چرا آنان را با چاقو ااران ، باند سپاه جاگان ، پاسداران استقبال میکنند . اصل ه "طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب" یار لعجب !!! اصولاً امپریالیسم پدیدهای است که برای بدست آوردن سود حد اکثر ، جنگ اندازی به بازارهای جدید ، اعان کردن اقتصاد ملی مفهوم خود را یافته است امپریالیسم این عمل خویش را عمدتاً در حال حاضر بطریقه صنایع متنازع در کشورهای وابسته انجام میدهد . امپریالیسم کوشش میکند که اقتصاد تک محصولی در کشورهای فوق الذکر بوجود آورد تا آنها را در وابستگی تام

خویش نگهدارد . از نقطه نظر نظامی ، ارتش آن کشورها را بوسیله مستشاران خود اداره میکند تا از آن بعنوان وسیله ای جهت تحکیم قدرت و منافع استفاده ببرد . فرهنگ ملی را که شخصیت ساز است و دستاورد های حیاسی اقتصادی آن ملت را جمع بندی میکند و پیشرفت ها و تکامل آنرا بسه نسل آینده بسیار دنا بود ساخته و بجای آن فرهنگ استعماری و انقیاد طلبانه را روح میدهد .
 برای طرد کامل استعمار میبایستی که پایه های اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و نظامی امپریالیسم را لغاں شود و بجای آن اقتصادی ملی و مطابق با منافع زحمتکشان ایجاد شود . هیأت حاکمه جدید چگونه میتواند ادعا کند که خواهان ساختن اقتصاد ملی است ، زمانیکه صنایع وابسته متنازع ۸۰٪ کل صنعت کشور را تشکیل میدهد یا تزریق مالی تقویت میشوند ، سرمایه داران وابسته فراری سا اطمینان مالی و جانی و سرمایه داران خارجی به سرمایه داری دعوت میشوند . در روابط ارزی چنان سیاسی اعمال میگردد که سرمایه داران وابسته انبوه انبوه ارز از کشور خارج مینمایند تمام قروض آنها را به بانکها خود دولت میبپردازد . اقتصاد تک محصولی نفت همچنان براه خود ادامه

میدهد ، بازارهای داخلی یا مصنوعات خارجی را لیبوز مینموند و کمر اقتصاد ملی میبندد . وجود کارشناسان نظامی بیگانه را در کشور تثبیت مینماید و آنرا حتی در اصل ۱۲۱ از پیش نویس قانون اساسی ذکر مینماید . لازم مینماید که آسرا نقل کنیم " ... عبور یا اقامت نیروی نظامی خارجی از کشور تنها با رعایت مصالح کشور ، آئیم یا تشخیص ۴/۳ نمایندگان ... مینماید که حاکمیت جدید یا مشاهده گری که از خصوصیات آنها است . مستشاران بیگانه علناً اما در پوشش مصالح کشور ، اجازه میدهند که خلقهای ما را بزر بویغ خود بکشند .
 بیهوده نیست که مستشاران بیگانه از حمله امریکائی هنوز در ارتش جمهوری اسلامی جا خوش کرده اند و انعقاد قرارداد های جدیدی را هم برای ورود هرچه بیشتر آنها انتظار باید داشت .
 مینماید که این قوانین تصویب شده چگونه با منافع واقعی جامعه مادر تضاد کاملند . از همین میتوان جرات گفت که حتی اگر قوانینی بظاهر مترقی هم تصویب برسد ، عملاً قدرت اجرایی را نخواهد یافت ، تنها قدرت اخزائی آن درنگردد . شستن خلقهای صحن ما در زیر مهمیز قدرت امریاب- لستها خواهد بود .

کتاب سوزان ..

که در پیاده رو آن بساط کتابفروشی برپا بود ، و حشویه حمله برد هو به پاره کردن کتابها میبرد از دست و سیر به کتابفروشی ارانی واقع در خیابان امیری روبروی سینما رکس شیخون زده و با برتات بطرف زمین این کتابفروشی را با آتش میکند . ماشین آتش نشانی پس از نیم ساعت تأخیر در محل حاضر میشود و درست در همین موقع نیز چندین مأمور و پاسدار مسلح از طرف کمیته سوار بر دو ماشین نیسان وارد میشوند . ظاهر میبایست "مجدد گاوی" و توجه هایش پس از ورود پاسداران به عمل خود پایان دهند در حالیکه پس از فرغ شدن از سوزانیدن و پاره کردن کتابها بیان جمعیت انبوهی که تماشاای این اعمال و حشویه ایستاد بودند ، حمله برده و دو نفر از هواداران سازمان جریگهای فدائی خلق را با چاقو مورد ضرب و جرح قرار میدهند و در حضور پاسداران به قحاشی پرداخته و به هواداران تیر و های انقلابی و کمونیست اخطار میکند که "بدانید من می آیم در خانه هایتان و گوشتان را میبرم" و بعد هم با "احترامات" خاصی از طرف پاسداران سوار ماشین آنها شده و از محل فرجای خود دور میشود . فردای آن روز باز سروکله "مجدد گاوی" و توجه هایش پیدا میشود ولی این بار در خیابان شهرداری . "مجدد گاوی" ابتدا بجانوی که مشغول فروش کتاب در کنار پیاده رو بود ، حمله کرده

و پس از زدن چند سیلی بگوش وی شروع بپاره کردن کتابها میکند که البته تکابفروشی یا کوشش فراوان توکنت از مفرکه فرار کند . در این زمان جوانان آگاه و مبارز آبادان که ناهید ماجرا بودند در صد پانچ گوئی به مجدد گاوی و توجه هایش برآمده و به آنها حمله میکنند در نتیجه مجدد گاوی بلافاصله به کمیته مستقر در شهرپاتی که حدود ۵۰ متر با آنها فاصله داشت پناهنده میشود ولی جمعیت با شعار "یا مرگ یا آزادی" "مرگ بر ارتجاع" ارتجاع نابود است ، آزادی پیروز است " تا جلو شهرپاتی وی را تعقیب میکنند . طبق معمول پاسداران کشته بحمایت از مجدد گاوی و اینگونه اعمال سبعمانه برخاسته و با تیراندازیهای هو- ائی میگویند جمعیت خشم آمده ، راکه حدود ۲۰۰ نفر بود تفرق کنند . دارو دسته "اویاش حزب - الهی نیز ضمن راهپیمائی و دادن شعار "اسلام پیروز است کمونیست نابود است" و دیگر شعارهای ارتجاعی بر اعمال و حشویه مجدد گاوی و یارانش صحنه میگذاشتند . شعله های سرکش آتش بهنگام کتابسوزان در کتابفروشی ارانی یاد فاجعه سینما رکس آبادان را در دلها زنده میکند و عجبا که در این دو آتش سوزی در حال و گذشته و حوه مشترکی میتوان یافت . رژیم محمد رضا شاهسی کوشید با با آتش کشیدن بیش از ۷۰ نفر از هم صحنانمان جلگ گسترش مبارزات محقانه مردم آبادان

را بگیرد و مرتجعین گنونی نیز با بدمت گرفتن افرادی چون محمد گاوی میگویند که با با آتش کشیدن کتب حاوی روح مبارزه حیوانه و آزاد بچو- اهانه از رشد آگاهی توده مردم جلوگیری کنند . بعلاوه اینکه رژیم پهلوی در اواخر حکومت ننگینش آنجا که دیگر نمیتوانست از ارتش سرکوبگوش استفاده کند شیوه ارتعاب مردم دست میزد و عناصر خود فروخته جماع بدست را احیر کرده و بهمرامتطمع و قریب افرادی ناآگاه بر سر مردم میریخت ، شاید با ایجاد فضای رعب و وحشت از بیشتر وی مبارزات بگاهد . دستگاه حکومتی گنونی این ارنیبه محمد رضا شاهای را گرامی داشته و جاقو کسان حرفه ای همچون مجدد گاوی و توجه هایش راه حیایانها میکند تا در زیر حتر حمایت مأمورین کمیته بضرر ، شتم و آزار مردم آزاده و پاره کردن و سوزانیدن کتب و کتابفروشیها ببرد ازند . غافل از آنکه شعله های برخاسته از سوزش کتابها هر لحظه بیشتر از گذشته شعله های مبارزه را در دلهای ما مالال از عشق آزادی خلقهای میهنمان فروزان تر میکند و تا احوال پیش میرود که سیستم ارتجاعی گنونی را در آتش خشم تودها مسوزانند .

**تحلیل طبقاتی از :
 قیام بهمن ماه و دولت کنونی**

اوضاع کنونی ..

خلق و از زمان برداشتن هرگونه حقوق و مکرانیک برای ممانعت از فعالیت نیروهای اصیل انقلابی ... زیرا که سازش با امپریالیسم یعنی بد رفتن سلطه وی و حفظ پایه های اساسی او و مقابل گرفتن برخی امتیازات نا چیز که آنهم ضروری قربانی خواهد شد .

بنابر این حمله حاکم گمبخته قدرت حاکمه کنونی به دستاورد های جنبش ، به حقوق و آزادی های مکرانیک و به نیروهای اصیل انقلابی بالاخره اوج آن در سرکوب و خنثیانه کردن ستان ، ادامه منطقی راه سازشکاران و تسلیم طلبان میباشد که بدینا تئوری خونین رفاغیستی سلطه ، مرماه ، مالی امپریالیستی می انجامد .

۲ - خصلت تود های جنبش و انحصار طلبی و بدست ننگ نظر آنه جناح حاکم زیکسو ، منافع واقعی تود ها و خصلت انقلابی آنها و ماهیت سازشکارانه و تسلیم طلبانه و رهبران لیبرال و مده هی جنبش از سوی دیگر و تضاد بود و نه گذر روند خویش بسیاری از تود ها را

بروز می دهد رهائی از یوغ امپریالیسم را بدین رفتن این رهبری میدیدند ، بطور مستقیم و غیر مستقیم در مقابل جناح حاکم قرار داد و جناح حاکم را به انفراد میکشاند . جناح حاکم هر آنچشمگیری های تود های خود را از دست میدهد و یکجمله انفراد کشانید میشود ،

بهمان انداز منبریز کین و نفرت خود نسبت بخلق و نیرو و های انقلابی آن افزایش و نتجتا بهمان انداز بیشتر بحوری مستقیم یا ستیهای امپریالیسم تبدیل میشود .

۳ - قدرت سیاسی حاکم بنا بر ماهیت طبقاتی بورژوازی خود و مطابق با خصلت ضد انقلابی سازش با امپریالیسم و بخشی از بورژوازی کمرداد و ، که دولت ائتلافی کنونی حاصل آن میباشد هرگز قادر نبوده و نیست که به خواستهای واقعی خلق یا مسخ مثبت در او بود و جهت تحقق آن گام بردارد .

به همین جهت اخبار اعتبار خود را در زمین مردم از دست داد و نیاز هم بیشتر خواهد داد و تود و مردم از روی روی بر میگردانند . هیأت حاکمه کنونی از همان فرد ایروی کارآمدن محکم کردن پایه های خود را نه در ساختن و خواستهای واقعی خلق بلکه

باعتبار سرکوب سرکوب خلق و سازش رسته های از پیچیده در ستگاههای حکومتی رژیم محمد رضاشاهی جستجو میکند . چنین بود که اگر کارکنانهای اجرائی قدرت حکومتی از وزارتخانه ها و دولت گرفتند کمیته ها و رهبران مده هی ، اقتصاد کارگران را ضد انقلابی قلمداد کرد و

جنبشهای تود های علیه مکرانفروشی و اختلاس و رفاغیستی قوانین سرچشمه استهوا تر اتقاع نمودند ، مبارزات و هفده تان را بلیبرمان سرکوب کرد بود و هم محاذ رفقای سبیل در هفکان با افتاد و بها و زمینداران بزرگ و سوان مرتجع

عشاری عقد اتحاد بستند . تمام این عوامل تود ها را عملاً از اطراف جناح حاکم میساخت و در مبارزات و جنبشها مردم منطقه های ضد حکومت جدید بدیدار میگردیدند . در این اواخر بسیاری از مردم دیگر نه تنها با اعمال و رفتار

در ستگاه حکومتی و جناح حاکم هب و شخص خمینی به دید و تود بد و دلی میگردند بلکه حتی زبان بانقد و اعتراض کشور دادند . در ستگاه حکومتی و قدرت سیاسی جدید با ستیاری مستقیم امپریالیسم برای سرسروش گذاشتن بر روی اعمال و سیاستهای ضد خلقی خویش و

عجز و ناتوانیشان در ریا سخگوشی و خواستهای واقعی خلق کفاتی بورژوازی لیبرال میباشد و همچنین برای جلوگیری از اینک تود ها در مقابل آنها مشکل نمودند و

در ست مبارز هوقاومت بزینند ، یا هزار گونه و مفری کوشیدند که جهت مبارزات مردم را منحرف کنند ، بسا تراشیدن در شمنیهای واهی و خیالی برای خلق از مبارزه آنها غلبید ضمن اصلی یعنی امپریالیسم و عاملین بومی آن جلوگیری کنند و با طرح شعارهای کاذب و ضد انقلابی

مثل " هرگز بر کمونیسم " و غیره ؛ تیز جنبش تود را بر روی نیروهای اصیل انقلابی و در رأس آن جنبش کمونیستی برگردانند . قدرت حکومتی جدید از طرح این برنامه توطئه نگرانند و هدف را دنبال میکند ؛

الف - در ورگردن امپریالیسم و عاملین وی از تیر رس جنبش خلق و خصلت ضد امپریالیستی جنبش در راه تود ها ، سرسروش گذاشتن بر روی حفظ قرار داد های خیانت آمیز سابق با امپریالیسم و قرار داد های خیانتکارانه جدید مثل حفظ قرار داد کستر

سیوم نفت و ضامن آن ، قرار داد خرید نفت سفید و نفت گاز از امپریالیسم آمریکا بعد از ۷۴ میلیون دلار و حفظ اکثریت قرار داد های نظامی سابق کیمیک قلم آن تنها ۳ میلیارد دلار میباشد و بستن قرار داد های جدید

نظامی تحت عنوان قطعات بدکی برای جنگ افزار های نظامی و بر در این شعار در زمین سازد آن که " مارا به سلاحهای مدرن مجهز کنید " برای توجیه این قرار داد بین خلق .

ب - سرکوب نیروهای انقلابی . قدرت حاکمه میز به جناح مده هی حاکم که هر روز بیشتر اعتبار خود را در زمین مردم از دست میدهد و خطر انفراد را نسبی میکند عوام فریبی نمیکشند با سوءاستفاده از احساسات و عقاید مردم ، آنها را علیه نیروهای اصیل انقلابی برانگیزند تا اینک ماسدست بازتری نتوانند خلق و نیروهای انقلابی را سرکوب کنند .

ج - آنچه که امروز در صد برنامه های امپریالیسم و ایادی اخلی وی قرار داد همانا سرکوب و ناسپود کردن نیروهای انقلابی و سازش نماید بوجامعه و جنبش های کیمست براندختن کامل سلطه امپریالیسم و

رهائی ملی حرکت میکنند ، میباشد . زیرا بدین سرکوب امپریالیسم مشکل میتواند پایه های مترانزل شده خویش را در و بار مستحکم نماید . سیاستهای ضد کمونیستی و ضد انقلابی جناح حاکم هب هی کتوسوسط افراد معلوم الحالی مثل جمران ، ابونورف ، مدتی ، رحیمی ، شاکر و دیگر سران ارتش کجحتی از مفسران

کردن کردن ستان و کشتار جنگی و مردم آنجا را بکشدند

اجرا میشود ، درست مطابق با خواست امپریالیسمی باشد . اما جناح حاکم هب باید بداند که امپریالیسم آنها هم اعتماد نخواهد کرد و در مرحله بعدی پس از سرکوب نیروهای انقلابی حتی این جناح را هم کار خواهد گذاشت . جناح حاکم هب باید بداند

که راه انداختن جنگ تحسیمی و برانگیزدن مردم علیه مردم حتی برای خود وی هم آیند های نخواهد داشت . آنها بدینوسلیفگرگی را غد امید هند کیمس از قریه شدن ، خود آنها را هم خواهد بلعید . سرانجام این راه عزیز غیر از تسلط کامل دست نشاندهگان باوقای امپریالیسم

بر زمینمان نخواهد بود . آیا اتفاقی است که در دست بعد از حمله مکر ستان امپریالیسم آمریکا زبان تحسین هیأت حاکمه ایران میکشاید ؟ (مراجعه کنید بمصاحفه

کار در اسفارت آمریکا با خبرگزاری پارس مند رج در روزنامه نامه نامه مورخه ۳۱ مرداد) آیا اتفاقی است که در دست در زمان سرکوب نیروهای انقلابی ، از کپراد و های فراری دعوت میشود کیم ایران برگردد و اقتصاد

مملکت را در دست بگیرند ؟ هیأت حاکمه جدید برای توجیه سرسروش ضد انقلابی خود بصوف خلق عوام فریبان نیروهای انقلابی را عامل توطئه تجزیه طلب ، نفاق افکن ، عامل بیگانه ، دست پرورد و امپریالیسم و صهیونیسم و خرابکار معرفی میکند . اما

مرد میرا که ، ۵ سال در روضا عوام فریبیهای رژیم پهلوی و جنبشهای وی علیه نیروهای انقلابی را با همین الفاظ شنیدند ، مشکل میتوان کرد با همان شیوه های رسوا قریب در . البته تود تود های بدتر

ولی بهر حال اکثریت حقیقت را درخواهند یافت و همین امر بیوستمه خطر انفراد را بطور ملموس به جناح انحصار طلب نشان میدهد . اما برای کسانی که آخرین بند های خود را با خواستهای واقعی مردم بریده اند ، هیچ راهی نیست جز سرکوب مستقیم خلق .

در این اوضاع بغرنج چه باید کرد ؟

در خلاصترین کلام گفتنیست : یکم - وحدت مارکسیست - لنینیستها و دوم - اتحاد و همکاری همه جانبه نیروهای انقلابی سوم - رعایت کامل اصول مخفی کاری چهارم - افشای مهابای برنامه های امپریالیستی .

این چهار مسئله بیایستی پیش برد شود و بتفاوتی نسبت بیکدیگر از آنها میتواند عواقب وخیمی را ببار آورد . یکم - وحدت . هم اکنون نیروهای مارکسیستی در یک برانگیزگی تأسیف آوری بسر میبرند . برانگیزگی آنها ، باعث خرد نگاری ، بخود و گروه خود توجه داشتن ، چند

بار دیگر کاری ، محدود شدن شغای عمل انقلابی و ترویج و تبلیغ مارکسیستی ، در برنگرفتن پایه های وسیع کارگری و تود های بالاخره ایجاد یک سرگجگی در تود های وسیع خلق و مقدر همه کارگران شد و موجب آن میگردد

بقیه در صفحه ۵

کشتار خلقهای ایران در دولت ضد خلقی بازرگان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اوضاع کنونی ..

کدام انقلابی ترین انقلابیون نتوانند در ریشاپیش تود بها حرکت کرده ، بلکه رقبالب موارد حتی در دنیا تود بها حرکت کنند و نتوانند تا تکمیل گامهای امپریالیستی را بموقع افتاد و در صد د خشتی کردن آن برآیند . عد موحث مارکسیست لنینیستها و بنود حزب طراز نوبین طبقه کارگر باعث شد هاست که انحرافات و ریز ریز بیستی و ترو تسکینتی رشد نمود و ضربات خانکا مر ا از رون طبقه کارگر و ار سازخته و احزاب سارنگار و خائنی چون حزب تود هو سازمان " انقلابی " بتوانند بحیات انگل و ارجویستی ار امده هند . اگر کمونیستهای میهنمان در این شرایط حساس نتوانند یک ستار انقلابی ، یک قطب جذب کنند برای متشکل کردن تود ه مردمی که از رهبران سازشکار و لیبرال روبرگرد امید هاند ، بوجود آورند ، بیشک این خطر یلقوه بفعل در خواهد آمد و ما باید و وران رکود سنگین جنبش روبر و رخواهیم شد . تاریخ بعد از شکست ۲۸ مرد اد در مبارزات رخواهد شد و ما کمونیستهای قبل از همگامها رخواهیم بود .

دوم - مارکسیستها مجاز نیستند که از همکاری ضروری و لازمه نیروهای ملی غیر کمونیستی سر باز زنند . گرجه عد موحث ت میم - لا مها آنرا بسیار متکل نمود هاست . بار سنگین بوجود آوردن زمینه های همکاری ربرد و تن صم - لا مه های میهن هاست . با یستی مابین ساز جنبش یا سنج مثبت گفته و یا بوجود آوردن رهبری مشترک برای مبارزه

ضد امپریالیستی - ضد فاشیستی که البته منافق تشکلات موجود و رهبریهای آنها نیست ، بد نیال انعام سلسله برنامه ها و فعالیت های مشترک و تبلیغات مشترک جهت خشتی نمودن حملات ارتجاع و عقیم نهادن توطئه های امپریالیستی رفت .

سوم - حوچا کمپارزاتی پس از قیام بیهمن ما مگر اشات علی گزائی را تقویت نمود هاست . هر چند که استفاد ه از امکانات مبارزه علی امری کاملاً ضروری و صحیح میباشد . لیکن آنچه کد ر این چند ماه اخیر جنبه غالب راد ارایو علی گزائی بود هونه استفاد ه از امکانات مبارزه علی - این بد بین مفهوم نیست که مبارزه مخفی و امر مخفی کاری ببتوجهی کامل شد و بیاباد فراموشی سپرد شد هاست بلکه با پیش بینی حاکمیت قریب الوقوع فاشیسم میبا به ضرورت کار مخفی و گسترش امکانات مخفی برای مبار بیشتر توجه میشند . تا آنجا که این برنامه های ارتجاع اطلاع بد ست آمد هاست ، هزاران تن شناسائی شده و تحت تعقیب ارتجاع قرار خواهند گرفت . لذ اضری است از هم اکنون تاد برینند میمک کردن اثرات شنا سائی شد میرد احت .

چهارم - ارتجاع حاکم اکت و کشتار انقلابیون و تحت تعقیب قرار ادن آنها و جلوگیری از هرگونه ابراز علی آزاد بخواهی ؛ خواصا حوا گسترش اعتراض و ناراضیاتی عمومی رامی آفریند . هم اکنون جوانبسی از این مسئله شاهد میهنود ، تبلیغات ارتجاع بیش

از حد همرا با اغلاست و وظیفه قریب و ارباب رابرای جلوگیری از گسترش اعتراض در د در جنبش شرایطی تشد بد افتخار بیانقتی بسیار سپهراد آرند . و حتی اگر ابعین نبود و ارتجاع قاد رشد نمود که انگریستی قریب با اتفاق رابقریب بد ، باز هم تشد بد افتخاری میبا در دستور کار قرار میگرفت . ارتجاع حاکم بخواهد که جلوی نشر هرگونه نشریه و اغلا میبوحقی کتابی را کبشوی از آزاد بخواهی در اشتنا شد بگردد و هر د هائی را که با اعتراض گشود میهنود ببندد . زیرا ارتجاع حاکم و حشت از روشن شدن مواضعش و ترس از خواست پیش روی جللود ارد . او تشد بد میکند و ساطور ها و کبوله های خود را بر رخ مبارزین خلق میکشد . اما با یستی نشا در اد که انقلابیون را از این تشد بد ها عورید نکشیم و ا همه ای نیست و در ره شرایطی در ست از مبارزه ر - نخواهند گشود . ارتجاع میتواند جلوی چاپخانه های علی را بگیرد و انتشار هر نشریه ای را ممنوع اعلام در اد . لیکن قاد ریست جلوی نشر و خشت افکار انقلابی را بگیرد . وظیفه انقلابیون میهن ما بد آنها حکم میکند که با استفاد ه از کلیه امکانات موجود مخ علی بنشر افکار خود ببرد از بد و از کلیه طرق - حه روزنامه و شناسنامه و حصرت شغاهی - با حفظ اصول مخفی کاری با فاشکاری ببرد از بد .



درگذشت مجاهد که بر آیت الله طالقانی را

بهدلت شریف ایران تسلیمت میگوئیم

گزارشی ... این اخراج به حرم اخلا لکوری و " تحریک " کارگران و ترعیب آنها به اعتصاب صورت میگردد و بدین اینکه حتی کوچک ترین اظهار نظری از بقیه کارگران نخواهند پس از این عمل نا جوان بر دانه تخصی از کمیته امام مأمور رسیدگی بوضع کارخانه میشود که البته تا کنون فرد مأمور بدون تماسگیری با کارگران و پرسش در مورد خواسته های شان فقط به توضیحات کارفرما اکتفا کرده و مسئله را سکوت گذاشته است . در حالیکه اگر متصفانه رسیدگی دقیق بوضع کارخانه بشود بوضوح میتوان دید که در ازا استنکا شد بد کارگران و عدم توجه بوضع ایمنی و ایاب و نهاب چه بولهای کلانی نصب صاحب کارخانه منود . تولید کارخانه فعلاً در یک خط صورت می گیرد و در آینه به سه خط تولید خواهد رسید . تولید روزانه حدود ۱۰۰۰ کارتن میباشد که ۷۰۰

کارتن درجه یک و ۳۰۰ کارتن درجه دوم است (هر کارتن حاوی ۵ بسته کیک میباشد) از فروش این کیکها روزانه ۸۰ هزار تومان حاصل میشود که ماهیانه به بالغ بر دو میلیون چهار صد هزار تومان میرسد . ضمناً صاحب کارخانه برای جلوگیری از اتحاد و یگانگی کارگران به استخدام کارگران از طبیتهای متفاوت اقدام کرده است . بدین ترتیب که نیمی از کارگران بومی و بقیه ار کرد های عراقی صبا حرقیم ساوه میباشند . البته کردها در شرائطی بدتر از بومیها بسر میبرند . زیرا در حملات در اطراف ساوه حدود هزار خانوار کرد هریک در اطراف قی گلی زندگی میکنند و محروم از مدرسه و خیابان اسفالتند و حتی حمام میباشند . کارفرما رد یلانه تلاش دارد با سوء استفاد ه از نا آگاهی بعضی از کارگران روحیه عدم اعتماد در میان آنها بوجود آورد و ولی کارگران از اجناسیکه از فشار مستم سرمایه داران بشوده آمد هاند تنها راه چاره را

در همستگی و اتحاد با یکدیگر میجویند و این اعتصاب اولین نطفه شکل گیری این همستگی طبقاتی میباشد . اگرچه بدنیال این اعتصاب و شکایات بخواستهای شان نائل نیامده ، اما حد اقل یک مسئله بوضوح برایشان عیان گردید و آن اینکه چاره درد هایشان را نه میتوانند از صاحب کارخانه بخواهند و نه میتوانند در راهروهای کمیته امام جستجو کنند ، چه کارفرما تنها و تنها بسود خود بی اندیشد و نا اشتنا شد بد آنها و نکهد اشتنا شد در سطح حد اقل کار و زندگی است که میتواند جنبش بومی را محیب بزند . همجنس کمیتها نیز عامل اجرای سیاستهای دولتی هستند که ماهیاً ضد کارگر و حاهی سرمایه دار میباشد . کارنامه چند ماهه دولت کبوتی بطور کلی در رابطه با حتمکنان میهنمان با لاص کارگران گویای این واقعیت میباشد . پس : " چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است "

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

استثمار شدیدی**

پارس الکتریک	۱/۴۲۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال
پارس توتینیا	۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
لامیران	۲۹۳/۰۰۰/۰۰۰
کیوسورسازی	۱۴۶/۰۰۰/۰۰۰
الکتریک استوریاطری	۳۹۸/۰۰۰/۰۰۰

و خلاصه ۹۰٪ صنعت تلویزیون واردات آن در اختیار این خانواده میبایند.

این زلوفصان کتنامر و تشان حقوق برداخت نشده کارگران و نتیجه استثمار آنهاست، دردوران بعد از انقلاب باخرق مقد ارزباید از دسترنج کارگران توانستند حمایت شخص امام و کمیته امام را جلب کنند.

نشیوه استثمار در تولید رادیو تلویزیون: بدستگاههای کارخانیمصورت باند متحرک در مقابل کارگران میبایند و کارگرموظف است کهدرخلال زمانیکه شاسی اصلی تلویزیون ازمقابل وی میگذرد قطعات مربوطه راروی شاسی مزبور مونتاژ نماید و بخاطر طرافت این کارونیز احتیاج بحوصله کافی است کهدارکارگران زن و دختر در این قسمت استفاد میشیود. کارگران زن در این

کارخانه از حد اقل حقوق و مزایا برخوردارند. باند متحرک باعث شد مئاساعات استراحت همگانی و برای همه دریک زمان باشد. در نتیجه ر موقع کار هیچکس حتی اجازه رفتن بدستشویی را هتند اشتبانباید. فضای کارخانهدید اسموموالورد هاست زیرا کهدر کارخانتهقدیمی ود ارای فضای کوچک است ود و مباد موقع مونتاژ اقلع برای لجم کردن قطعات مختلف بیکدیگر و به شاسی اصلی استفاد میشود کهداین ماد بهاحارثت هویه (دستگا تلحیم) و روشن اسیدی باعث بخاری مسومکنند میشود. بطوریکهدر اواسط روز خستگی شدیدی کارگران ر افرامیگیرد. ساعت کارگران در حرف ساعت ولی در عمل (باد نظر گرفتن زمانیکه صرف ایاب و ذهاب میشود) ۲ ساعت میباشند.

اعتصامات این کارخانه برای بهبود اوضاع کارخانه و ارتقاء حقوق در زمان رژیم سابق بوسیله ارتش و ساواک سرکوب میشد. امروز نیز قد رتمند ان حاکم در مقابل اعتراضات و خواستههای بحق کارگران این کارخانه مرتجعانه ایستادگی میکند. چنانچه:

یکم - دولت ضد انقلابی بازگان چندین پیش فردی بنام "عالی" را برای باصلاح نظارت بر امر رفتی کار-

خانقراستاد. وی صریحاً اعلام نمود که نماید بترکیب سرپرستان و مدبران دست زد شود. همایشیوه استثمار همان افراد مزدور و همان روابط.

دوم - از آنجا که بر خورد ارها برای استثمار هر چه بیشتر کارگران بنیستیانی خود را از کمیته امامان ادان پول اعلام داشتند، کمیتههای امام نیز بمحض بروز اعتراض از طرف کارگران باهرجسب "اخلالگرو ضد انقلاب" خواستههای آنها را سرکوب میکند. خلاصه دولت و کمیته امام را استثمار و بیرحمانه کارگران "برخورد ارها" را باری می رسانند.

* - چندیست کهدولت ضد انقلابی بازگان کارخانه حاج برخوردار را "ملی" اعلام کرد هاست. همانگونه "ملی" کردنی کهدر حق کارخانجات باسینی خائن انتحام گرفت و نتیجه اش این شد کهدر امر و باسینی، کسی کهدستش بخون دها کارگر که برمان آشفته است بحما تنگداری از کمیته سرکار میآید و برمیگردد. در مورد برخوردار اها هم همین قضیه صادق است. فی الواقع دولت بازگان برای بالا بردن تولید و نتیجه استثمار بیشتر کارگران با "ملی" کردن بخشهای تولیدی از این دست حفظ افراد ی چون برخوردار اها و باسینی هارا مد نظر دارد.

لنمن**

و "خلق" را شامل میشود. این بخش بالاترین درجه نا آگاهی و از هم پایدگی را نشان میدهد. این بخش در بدترین موقعیت قرار دارد. اشتیاقات و بلاواسطه آن از انقلاب بیشتر از همه است. در عین حال این بخش بیشترین درجه نوسانات را دارد (امروز انقلابی است و فردا پس از کترین بهبود ها خواهان نظم و قوانین خواهد بود.

حد اقل درجه سازماندهی را دارا است

د) دگرگسی - در این بخش نیز رهبران ایدئولوژیک از صفوف روشنفکران دمکرات بسیارند. از نوع شخص "سوسیال - انقلابیون".

هم پرتوتاریا:

انقلابی و موضع انتقادی در مقابل خرده بورژوازی دارد. در این بخش کمتر از همه بخشهای دیگر رهبران ایدئولوژیک یافت میشود و آنها عبارتند از روشنفکران سوسیال دمکرات و کارگران تعلیم یافته سوسیال - دمکرات. در مقایسه با بخش قبلی از نظر تعداد بسیار ضعیفتر است ولی از نظر توان مبارزه بسیار تیر و مند تر میباشد.

این بخش سازماندهی بسیار عظیم و انضباط دارا است

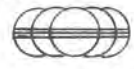
فصلاره عبارتست از جمهوری (که شامل همه آزادیهای دمکراتیک برنامه حد اقل و رقمهای اجتماعی جدی میشود) .

موضع بخشهای بر شمرده در بالا نسبت به این هدف شرح زیر است:

- بخش الف) مطلقاً مخالف این هدف است.
- بخش ب) هم مخالف جمهوری است و هم خواهان قانون اساسی است (نصف به نصف) (عوامل کائو بندی)
- بخش ج) در حین انقلاب خواهان جمهوری است (ولی نه ثابت قدم) (عوامل ناپایداری مبارزه)
- بخش د) کاملاً و مصمانه خواهان جمهوری است

نوشته شده در ماه ژوئن ۱۹۰۵
اولین انتشار بتاریخ ۱۹۲۶
مجموعه آثار جلد ۵
مطابق با دستنویس

یک شعر در وصف کارگر



کارگر، دفع حفا را اگر بخواهی میتوانی
قطع بیخ اغیارا اگر بخواهی میتوانی
چون تو آبادش نمودی باز هم پیران نمودن
این جهان بر صفا را اگر بخواهی میتوانی
گنج در اریان در نیا حاصل رنج تو باشد
دفع فقر هر گد را اگر بخواهی میتوانی
عفو جنس مفتخورد ر موقع نشورش خطا بند
باز جبران خطا را اگر بخواهی میتوانی
صانع حسن تو و سازار در حکم تو باشد
بیش و کم کردن بهار را اگر بخواهی میتوانی

لاهوری

ملی کردن صنایع و بانکها فقط بدست زحمتکشانشان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

افشاگری از دسیسه‌های دشمنان خلق یعنی امریالیستها و وابستگان به اخلیان یکی از طرق مهم جهت آگاه نمودن خلق است. انقلابیون میبایستی خلق را از یکایک توطئه‌های مرتجعین آگاه نموده تا از یکطرف با اتحاد خلق کمک نماینده و از طرف دیگر زیاد شدن نقشه‌های آنها جلوگیری بعمل آورند. از اینجاست که ما بدین شرح نامه یک سرپا نقل شد ما روزنامه "سرباز و انقلاب" شماره ۱۱ مبادرت مینمائیم.

باشد که ما ناساندن ماهیت ضد انقلابی قدرتمندان جدید و هم‌وفس با سایر انقلابیون گامی بیش برداشته باشیم.

نامه یک سرپا



نا درودیه تمامی برادران نظامی و غیرنظامی و بخصوص سربازانی که بهیچ وجه حاضر نیستند بروی هموطنان و خلقهای مبارز خود ماشه بیجانند

ببینید این جناب فرمانده که ظاهراً " برای اسلام دلسوزی میکند حتی حقی که به درجه داران داده بودید سرپازان قائل نمیشود منظورم حق داوطلب بودن است که خودشان به دلخواه بروند درجه داران داوطلب میروند ولی وقتی به سربازان می‌رسند خودشان انتخاب میکنند و باید اجباراً " بروند درثانی می‌خواهم بدانم آیا باین کلمه " پرواز میکنیم " می‌خواهند ما را که اکثراً " از توابع شهرستانهای کوچک هستیم و هواپیما سواری تقریباً "رزوی همه" ماست دست روی این نقطه ضعف ما بگذارند ؟

همان شخص در پاسدارخانه به سربازان میگفت شما همان سربازان طاغوتی هستید که نادرپور آدمکش بودید و الان هر کدام یک آزادی خواه برای خود شده اید. می‌خواهم بدانم آیا این سرهنگ حداقل ۲۵ سال نوره طاغوت فرمانبر آینه‌ای بوده است ؟ آیا از چکه پوشان شاه نموده اگر نبود چرا در دوره طاغوت از خدمت استعفا داده است و اگر از جانبازان شاه بوده چرا سربازان را طاغوتی معرفی میکند. تازه چه کسانی در زمان طاغوت دستور تیراندازی میدادند مگر همین هانی بودند. سربازانی که در کار بودند اکثراً " حاضر نشدند بروی هم میهنان خود ماشه بچکانند یا فرار کردند و یا در خیابان بروی فرماندهان خود ماشه بچکانند. وحکم تیران صادر شد و هنوز هم پرونده هایشان در ستاد هست چه شد طاغوتی شدیم و او با قوسی به قول معروف " دست پیش میگردد که پس نماند " بهر حال اگر این سربازان در آنجا مجبوریه تیرانداز شدند، کدام مقام شرافتمندی تضمین میکند که پس فردا به روزگار سربازان معدوم مثل صدی و مرادی دچار نشوند برای اینکه دستور مافوق را اطاعت کرده اند. ما سربازان مثل مرغی هستیم که هم در عازرش رامی‌روند و هم در عروسی بوضع ما سربازان چه کسی می‌خواهد رسیدگی کند تمام کارهای ارتش ما سربازان می‌گردانیم یعنی اسکلت و استخوان بندی ارتش سربازان هستند که برای آنها شدیدترین قسوتها و زورواختناتی و اطاعت کورگورانه هست.

از همه پرسنل انقلابی ارتش می‌خواهم که هرگز بروی خلقهای مبارز ایران ماشه بچکانند.

امضاء محفوظ

من یکی از پرسنل پادگان قصر هستم که قبلاً " کلمه " کارد بروی این پادگان بود. بعد از انقلاب که به پادگان رفتم روزهای اول اوضاع پادگان فاراشمش و درهم بود بعد از مدتی که اوضاع کمی سروسامانی یافت سخنرانی‌ها شروع شد. قبل از انقلاب هفته‌ای دو روز ما را به سالن سینما می‌بردند و افسران ضد اطلاعات برایمان سخنرانی میکردند و میگفتند که یکده صدمی هستند که در بیرون نظاهرات بیامیکنند اینها همه از کشورهای خارج پول می‌گیرند و کومیست هستند و یکده هم آخوند هستند که کاری از پیش نمی‌برند و همان رهبرشان حمیتی که او هم دست نشانده بیگانه هست.

حالا هم سخنرانی میکنند و مانند قدیم مغزها را سستو میدهند و می‌خواهند ارتش را مانند یک ارتش مزدور و روسک ماشین ضد خلقی برای ازین بردن نیروهای مبارز درست کنند و ماشه بچکانند تعدادی از سربازان را نیز توانستند قانع کنند. چند روز پیش بالاخره فرمانده پادگان ما سربازان و درجه داران را جمع کرد و با آنان در مورد ارومی صحبت کرد، و همانطور که حدس می‌زنید بخاطر فرستادن تعدادی پرسنل به آنجا بود چکیده‌ای از سخنانش این بود " سربازان، بچه‌های من، ما برای خاطر پاسداری از دین اسلام در اینجا جمع شده‌ایم در آن زمان طاغوت، بیامیگفتند ارتش برای پاسداری ملت است ولی در اصل برای نگهداری یکفر استفاده میشد ولی حالا اگر مستلای هم پیش آید. ۲۰ میلیون که به جمهوری اسلامی رای داده‌اند جوابگو هستند و حالا وقت آنست که وفاداری خود را ثابت کنیم و دست شورشیان و فرصت طلبان را از این خاک و از دین اسلام کوتاه بکنیم " و نظایر این سخنان گفت، بعد گفت تعدادی درجه دار داوطلب می‌خواهم و تعدادی سرباز هم خودشان انتخاب کردند و گفت برای اشخاصی که ارومی را ندیده‌اند فرصت جالبی است که بدیدن این شهر زیبا از نزدیک ناظر شوید و فراهم پرواز میکنیم.



گزارشی از کارخانه سیانا

گزارشی از کارخانه "سیانا" در ساوه
 کارخانه کیک سازی "سیانا" واقع در اطراف ساوه دارای ۳۵ الی ۴۰ کارگر میباشد که کمترین شرایط بکار مشغول هستند و بنحو شدیدی مورد استثمار کارفرما و دست اندرکاران قرار میگیرند. صاحب کارخانه مذکور شخصی بنام ارفعیان است که در شهر انتونگار آلمان دارای مفازیه فرنس فروشی نیز میباشد و حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیون تومان در این کارخانه سرمایه گذاری کرده است. احداث کارخانه در حدود ۴ الی ۵ ماه پیش انجام گرفت و از همان اوان شروع کار ارفعیان و دیگر دست اندرکاران کارخانه مورد پشتیبانی کمیته امام قرار گرفته و تا آنجا که عملاً با کمک و همکاری یکدیگر در مقابل خواستهای بحق کارگران به توطئه و زور می ایستادند و تاکنون در تاریخ سه شنبه ۶ شهریور ۵۸ کارگران پس از مدت ها شکایت از وضع بد ایاب و ذهاب کارخانه که خطر جانی برای آنها می آفرید و نندیدن عده های پوچ از مدیر کارخانه تصمیم به اعتصاب گرفتند و از رفتن بسرکار خودداری نمودند. آنها خواستار رسیدگی بوضعشان بودند مثلاً مبنی بوس کارخانه علاوه بر ظرفیت معمولی ۱۸ نفر را نیز اضافی سوار میکرد و کارگران پس از اتمام کار طاقت فرمای روزانه زمانیکه خسته و کوفته راهی خانه هایشان میشوند میبایست در وضع بدی در حالیکه جای یک تکان کوچک هم باقی نمیماند در مبنی بوس قرار گیرند. بهر حال تصمیم به اعتصاب گرفتند و مدیر کارخانه (وی شخصی است بغایت مرتجع بنام عموغلو که در اطریش تحصیل کرده است) چون دید وضع نا مناسب است دست به تهدید کارگران زده و گفت "هر که میخواهد کار کند بیاید داخل و بقیه هر کجا که میخواهند بروند و شکایت کنند همین هست که هست نه کمتر و نه بیشتر". فرما با برخورداری از پشتیبانی کمیته امام در حال قدرت در مقابل خواستهای محفانته کارگران دایر بر ازدیاد سرویس ایاب و ذهاب ایستادگی میکرد. کارگران که دیدند صاحب کارخانه و مدیر آن به خواستهای آنها اعتنائی ندارد، بهسرمراه نماینده خوب بنام مصطفی راهی کمیته شده و با طرح تمام مشکلات خود، خواهان رسیدگی بوضعشان میشوند. مدیر کارخانه و حسابدار و یکی از کارمندان بنام حوادلی بکمیته احضار میشوند که البته آنچنان که انتظار میرفت عوامل کمیته پس از بیرون فرستادن نماینده کارگران "مصطفی" با مدیر کارخانه براضی بیک سری "توافقاتی" ناشی میشوند و حاصل زد و بند آنها این میشود که بعداً در حضور و با حمایت افراد کمیته مصطفی و چهار نفر دیگر را اخراج میکنند. بقیه در صفحه ۶

این مقاله که برای اولین بار بفرسی ترجمه و منتشر میگردد را نلین چند ماه قبل از قیام ۱۹۰۵ برتته تحلیل در آورده است. نلین در این مقاله هدف انقلاب و مواضع و مناسبات نیروهای مختلف اجتماعی و شکل مبارزه آنها را بطور جامع و مانعی ترسیم نموده است. مطالعه آن برای آموختن تحلیل طبقاتی آموختن شیوه تحلیل طبقاتی بسیار مفید است. در دستنویس نلین حمله ای که با علامت * مشخص شده یک لغت قابل خواندن نبود.

مقاله ای از: نلین

وضع چنین است: نزاربسم در سنت پیترزبورگ مغلوب شده است. دولت مطلقه سرنگون نشده و مغلوب گردیده است. ولی هنوز کاملاً داغان نشده است، هنوز نابود نشده است و هنوز از ریشه خشکانده نشده است.
 دولت موقت انقلابی بخلق پیام میدهد. کارگران و دهقانان بابتکار خود فعالیت میکنند. آزادی کامل هست. خلق خود زندگی خود را تنظیم میکند. برنامه دولت عبارتست از آزادی بهای کامل جمهوریت و تشکیل کمیته های دهقانی برای تحول کامل روابط کشاورزی. برنامه حزب سوسیال دمکرات هم مسئله ای است برای خود. سوسیال دمکراتها در دولت عبارتند از فرستادگان و نمایندگان حزب سوسیال دمکرات. و اما بعداً قانون اساسی: وقتی که خلق بیا میخیزد... * اکثریت نیرو را تشکیل میدهد (کارگران و دهقانان)
 نتیجه دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و دهقانان است.
 مقاومت شدید نیروهای چینی - اوج جنگ داخلی - نابودی نزاربسم.
 سازمان پرولتاریا رشد میکند تبلیغ و ترویج سوسیال دمکراسی ده هزار بار افزایش یافته است و همه جا - بخانه های دولتی مشغولند و غیره و غیره... "با تعمیق فعالیت تاریخی، دانش توده ها رشد میکند توده های که این فعالیت از آن آنها است."
 دهقانان تنظیم تمام روابط کشاورزی و تمام زمینها را خود در دست گرفتند. سپس طی کردن تحقیق خواهد یافت. توسعه عظیم نیروهای تولیدی - مجموع روشنفکران روستا و تمامی اطلاعات برای بالا بردن تولید کشاورزی و آزادی از بندها بکار گرفته میشوند (اصلاح کنندگان فرهنگی، عامیون و غیره) و توسعه عظیم پیشرفت سرمایه داری...
 جنگ: سنگر جنگ از دستی بدست دیگری افتد. یا بورژوازی، دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و دهقانان را سرنگون میکند و یا این دیکتاتوری اروپا را بآتش میکشد و سپس...
 اگرخواهیم مسئله دیکتاتوری انقلابی را از دیدگاه مارکسیستی بررسی کنیم بایستی آن را بر تجزیه و تحلیل مبارزه طبقات بنیان نهیم. در نتیجه بایستی بپرسیم که کدام نیروهای اجتماعی اصلی مطرح میشوند و اینک آرایش قوا چیست؟
 الف) عناصر پروکراتیک - نظامی دربار. علاوه بر عناصر نا آگاهی از خلق جانبدار استبدادند.
 ب) مجموعه ناهوشی که سرعت از هم میپاشند و دیروز مقتدر ولی فردا بدون قدرت خواهد بود (در چنین حال مشاجرات داخلی دربار هم احتسابنا پذیر است)

این بخش از نظر سازمانی بسیار قویست و وحدت اکثر درجه سازمانی را داراست

ب) بورژوازی، بزرگ و متوسط معتدل و لیبرال:
 من زمین اران لیبرال، مراجع بزرگ مالی، بازرگانان و کارخانه داران و غیره را جز این بخش (میشمارم. این بخش استخوانبندی صاحبان و مدافعان یک کشور بورژوازی هستند که بقول معروف "همه کاره اند".
 در فراکسیونهای مختلف این بخش هم کمکنها احتسابنا پذیرند ولی همه آنها هم اکنون خواهان یک قانون اساسی هستند و فردا بیشتر از پیش خواهان آن خواهند بود.
 در این بخش رهبران ایدئولوژیک از میان کارمندان، زمینداران و روزنامه نگاران بوقور یافت میشوند.

این بخش از نظر سازمانی بسیار غیر مرتبط هستند

ج) قشر خرده بورژوازی و دهقانی که چندین ده میلیون نفرند

خلق را متحد کنیم امیرالایم و عمالش را درهم کوبیم